آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پشیه وری

آژیر روزهای یکشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه منتشر میشود

این روزنامه عضو جبهه آزادی است

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ »

برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان ۳۰ درصد تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

نشانی اداره:
(خیابان لاله‌زار - پاساژ بهار)
تلفن ۹۸۱۷

سال دوم شماره ۲۳۴ — صبح سه شنبه ۱۹ دی ماه ۲۳۳۱ — تک شماره یک ریال و نیم

انجمنهای ایالتی و ولایتی

حکومت ملی و رژیم دموکراسی واقعی وقتی از قوه بفعل میآید که اکثریت ملت بتواند در امور مالی دخالت بکند تا امروز کشور ما در روی کاغذ مشروطه نامیده شده کارهای اجتماعی ما منحصرا باراده اقلیت بروکرات بسیار کوچکی چرخیده است .

مجلس شورای ملی که ظاهرا انتخابی است پیوسته حتی در دوره های مشتمل یک دو دهم جنبه اداری بروکراسی داشته یکعده اشخاص خوب باید بنام ملت باسم اکثریت میل و اراده خودرا از کرسیهای آن بمجامعه تحمیل کرده‌اند.

امروز البته وضعیت خرابتر شده است در اثر قانون استبدادم غلط در نتیجه مطلق العنانی طولانی زمامداران اداری منحصر صادرات تاثیر حکومتهای قلدورانه شاه سابق مردم طوری از ادامه امور اجتماعی دور شده اند که نه تنها عوام بلکه خواص هم دولت و مجلس و دوائر عریض و طویل مملکتی را یکنوع سازمانهای خارج از اجتماع و مستقل شمرده مداخله در کارهای جاری آن را خارج از وظایف خود میدانند.

تمام بدبختیها ، تمام جنایت ها، تمام خرابکاریها ، تمام بیدادگری ها و زورگوئی ها ، از اینجا ریشه می گیرد.

باید کاری کرد که مردم بیشتر بتوانند درامورات کشور دخالت بکنند بیشتر در کارهای اجتماعی دست داشته باشند و بهتر بتوانند حرفهای خودرا بزنند تواقس اداری و احتیاجات کلی و جزئی خودرا آزادانه بشمارند و برای آنها چاره جوئی بکنند .

دموکراسی حقیقی آن وقت تامین می‌شود که اراده اکثریت ملت مملکت را بچرخانند و تمام افراد مملکت رای و فکر و اراده خودرا در جریان امور اجتماعی دخیل بدانند.

این باحرف و با گفتن واقع نوشتن امی‌شود در یک جلسه عمومی باچند دعوت و مشورت خصوصی انجام نمیگیرد.

ما نمیتوانیم لوازم نیست از طرف خود برای تامین دموکراسی سازمانهای من در آورده بوجود بیاوریم . سرآمدان آزادی عالم و پیشرایان دمکرات دنیا تمام اینها را پیش بینی کرده‌اند.

ما باید دقیق باشیم علاقمند باشیم و بدانیم با وجود اینکه سی و چند سال است کشور مان را یک مملکت مشروطه اعلان کرده‌اند چطور شده است که هنوز هم نتوانسته‌ایم کاری بکنیم اقلا پنج درصد افراد ملت در امور دولت دخالت کرده بتوانند حلا خودرا حاکم حقیقی مملکت بدانند.

بعضی‌ها تصور میکنند که اگر رئیس دولت یا وزراء آدمهای دموکراتیکی باشند اصول دموکراسی اجرا خواهد شد این‌ها خیال می‌کنند (اگر تا حال این طور نشده برای اینست که وزرای دموکرات نداشته‌ایم بعضی‌ها تمام گناهان را بگردن نمایندگان می‌اندازند . اگر چه تا اندازه هم اینها صحیح حرف می‌زنند تمایل وزرا و نمایندگان قطعا در عملی شدن دموکراسی مدخلیت دارد . ولی اساس نیست ریشه نیست علت اصلی مرض جای دیگر است .

آن را در سازمان های اجتماعی باید جستجو کرد تا اساس در مملکت ماندن یکی از اصول بزرگ مشروطیت

باقی در صفحه ٤

اختیارات میلسپو لغو شد

در جلسه رسمی گذشته اختیارات اقتصادی آقای دکتر میلسپو با اکثریت ۶۹ رای در مقابل ۹۰ رای حاضر در مجلس لغو گردید .

ما نظر خود را مکرر در این موضوع نوشته‌ایم و معتقدیم تا دکتر میلسپو دخالتش توی کار وزارت دارائی هست ایران همیشه دچار اشکالات خواهد بود .

با وجود این در اطراف چرایی کار دیروز مجلس ما بحث خواهیم کرد .

توقیف نجات ایران

ملتی که هنوز بر ما معلوم نیست روزنامه معیوب نجات ایران توقیف گردید پرطلبی باشد بالاخره پیش از محاکمه قانونی توقیف روز نامه ها کار بیسابقه نایسندیده است بالاخره معلوم نیست دولت باین کار های خشن چه می خواهد بگوید .

توقیف داریا

باکمال تاسف خبر توقیف روزنامه داریا را در عصر دیروز شنیدیم علت هنوز معلوم نیست .

دراطراف ابلاغیه نخست وزیر

متاسفانه روزنامه میهن واشنیدیم توقیف کرده‌اند قرار بیکه آقای شیروانی در یک روزنامه دیگر که بجای میهن انتشار پیدا کرده است نوشته بود تعدادت توقیف این نامه کم سالی برای انتقاد شدیدی است که در آن پرتابه ابلاغیه نخست وزیر نوشته اند

من هنوز افسوس میخورم که نتوانسته‌ام شماره ایکه سمت توقیف میهن شده بدست بیاورم هرچه باشد بالاخره موضوع معلوم است انتقاد اعلامیه دولت.

اگر واقعا دولت خواهد روزنامه هارا برای این بهانه ها توقیف بکند کارمه و زنانه نویسها خراب است و باید دکانهای خودرا تعطیل کرده بی یک کار و کاسبی دیگر بروند

دولت آقای بیات را ما هنوز از آن میدانستیم که بخواهد برای تنقید ابلاغیه روز نامه توقیف بکنند خدا کند آقای شیروانی هدفلم ما اشتباه کرده باشند باهنوز بطور تحقیق علت توقیف میهن را نتوانسته باشند بفهمند

اینطور تصور نکنیم بهتر است بهر جهت ما با وجود این سعی خواهیم کرد ابلاغیه آقای نخست وزیر را مورد بحث و انتقاد قرار بدهیم این حق مشروع روزنامه نویس است آقای بیات اگر یک نخست وزیر دموکرات باشند باید با دلایل قانع کننده ایراداتی

باقی در صفحه ٤

بیان حقایق راجع بمصاحبه

آقای کافتار اداره حریم امنیت . مقاله جنگ و طبقه کارگر

دولت شوروی چه میگوید ؟

در شماره گذشته ثابت کردیم که سید ضیاء الدین احمقانه فعل فروش میکند « اسپاس وبتال » که فاشیست های آلمان در آغاز جنگ بدهن‌ها انداخته بودند غیر از حریم امنیت است که در روزنامه رهبر یکی از کارمندان حزب توده با مسئولیت خود بقلم آورده است .

تازه حریم امنیت حتی حریم مطلق هم کار و زندگی و میهن فروشی نیست فقط سید میخواهد با این قبیل مسخره ها حزب توده را هو بکند باهزاران دلیل میتوان ثابت کرد که تمام دول بزرگ و کوچک دنیا حریم و حائل یکدیگر هستند مثلا کشور پنهاور شوروی قطعا حریم کشور کوچک ما است .

اگر ارتش سرخ سینه های خودرا سپر نکرده بود امروز آلمان فاشیستی میهن ما را طبق اصل « اسپاس وبتال » بلعیده ملت ما را بردگی اشرف مخلوقات که سرمایه داران بزرگ آلمان است وادار کرده بود قطعا آن روز کیسلینگهای وطنی که معلوم نیست خود ضیاء الدین از آنها باشد بدون چون وچرا تمام معادن ایران را اعم از نفت و طلا و آهن و قیر و دستی بالها تسلیم کرده بودند .

اینک سیل است حلا میبینید آلمانی مانند سیل بکشور ما سرازیر شده تمام اراضی قابل زراعت را بازور چماق از دست برزگران ایرانی در آورده بودند .

خوشبختانه خاک ما حریم بزرگ و مستحفظ نیرومندی داشت لذاما از این سیل ناگهانی محفوظ ماندیم . روسها هم یک کلمه در این موضوع حرف نزدند و منتی هم ابواب جمع ما نکردند و هرگز تصور هم نکردند که ممکن است کشورشان حریم میهن ما باشد در اثر نبرد با نیروی آهریمنی هیتلر هندوستان را نجات میدهند .

این حرفها فقط حمقها را میتواند اغفال بکند ، مردمان روشن بین گول این دماگوژیها را نمیخورند . البته ایران وضعیت جغرافیائی خاصی دارد دولت اتحاد جماهیر شوروی میتواند آنجا را لانه دشمنان خود به بیند ایران هم قطعا میل دارد روسیه دردست دوستانش باشد .

کجای این برخلاف حق و عدالت است ؟

حتی دولت برپانیا که درهمسایگی ما مستعمرات گرانبهائی دارد معلوم است میخواهد در اینجا مرکزی بر علیه او تشکیل نشود .

باقی درصفحه ٤

کریم کشاورز

دربارهٔ قیمت

برنج گیلان

برنجهای بدست مازندرانی اورا گران تر از برنجهای اعلای گیلان خرید و بارجهان دیگر بار داد . باید برای فروش برنج گیلان فکری کرد . آقایان بین اسفندیاری و شریعت‌زاده و سایرین اگر دلشان بحال زارعین گیلان مازندران نمیسوزد . بحال موکلین اصلی وحقیقی خود یعنی مالکین و کدخدایان و محتکرین بسوزد . زارع فقیر که همیشه شش گرو هشت است بلا فاصله بعد از برداشت محصول مازاد خودرا میفروشد . قسمت اعظم این مازاد اکنون در دست مالکین و کدخدایان و زارعین متمکن و تجار و محتکرین تمرکز یافته است .

گیلان در حدود یکصد و بیست هزار هکتار (جریب) زمین برنجکاری دارد که بطور متوسط ۱۷۵ میلیون کیلوگرام و با ۱۷۵ هزارتن محصول آن است . از این مقدار قدری بیش از نصف صرف غذای اهالی میگردد و قریب هفتاد هزارتن برای صادرات بداخل و خارج ایران میماند . بازار داخلی ایران در نتیجه توسعه طرق ارتباطیه قریب نصف این مازاد را میخرد . میماند سی الی سی و پنج هزار تن که باید بخارج فروخته شود . در دوسال اخیر حاصل برنج گیلان بسیار خوب بوده است و مازاد مزبور شاید فعلا بیش ازمقدار متوسط فوق‌الذکر باشد . حاصل خوب و نسبت فراوان با وجود سیستم توزیع ما وقتی بازار نداشته باشد وبال گردن است .

دولت، مجلس - آقایان و کلای گیلان

باقی درصفحه ٤

از برنج مازندران صحبت نمیکنیم. زیرا مقدار آن نسبت به برنج گیلان کمتر ، جنس آن بدتر و قیمت آن تاج قیمت برنج در بازار رشت است . معمولا این دلیل نمیشود که آقایان بین اسفندیاری و شریعت‌زاده و نجدد و غیره باین مسئله که مستقیما مربوط بحیات موکلین ایشان است بیعلاقه باشند و حتی کلمهٔ هم در این باره نگویند و قدمی بر ندارند . برنج محصول عمده گیلان و حتی مازندران است . اهالی این دو شهرستان مایحتاج خودرا بوسیلهٔ مبادله برنجی که اضافه بر مصرف خویش دارند بدست میآورند گیلانی و مازندرانی اگر برنج مازاد بر مصرف خود را نفروشد پارچه برای لباس نخواهد داشت . قندوچای نخواهد داشت . یا باید لخت بماند یا قرض کند یا کهنه‌ها را بپوشد و از قند و چای و روغن و سایر لوازم اولیهٔ ادامهٔ زندگی صرف نظر کند .

شاه سابق خواسته بود و یامنظور به این بود که میخواهد اینوضع را تغییر دهد و کشت برنج گیلان را میدل به زراعت دیگری سازد این کوشش فقط یک نتیجه داد . شرکتی تشکیل شد و

مجازات مجرمین را میخواهند

ما کارگران کارخانه جات سلطنت آباد نسبت به دسایس و عملیات خائنانه سید ضیاء بروطن دوشاهی که منجر بقتل و مجروح نمودن کارگران کارخانه شاهی شده است اعتراض صفت نموده وتقاضا داریم که مجرمین این واقعه شدیدا مجازات شوند ضمنا بخانواده حسین تمنی کارگر مقتول تسلیت عرض نموده و وعده می دهیم روزی خواهد رسید که انتقام خون جوان مرحوم شمارا بگیریم

اتحادیه کارگران کارخانجات سلطنت آباد

www.iran-archive.com

شماره اول مجله سخن

داستان زشت و زیبا

تمثیل اوسی طوری که در ادبیات غرب دیده میشود اگر از و در فارسی راه پیدا میکرد بسیار خوب بود. تمثیل های کلله ودمنه و غیره امروز فقط از نقطه نظر تاریخ ادبیات فائده دارد.

تمثیل‌های معاصر باید بازبان مردم طبق فهم وادراك اکثریت جامعه نوشته شود. امروز محیط ادبی ما بوجود لافونتن و گریلوف ایرانی احتیاج شدید دارد، ولی متاسفانه نویسندگان این رشته کمتر توجه میکنند.

آقای اعتداد زاده گویا پس از بازداشت صدمین سال تولد گریلوف تمثیل نویس شهیر روسی که از آثارش صاحب قطعه در زبان فارسی انتشار پیدا کرد فکر تمثیل نویسی افتاده اند این البته یك کار مفید وفکر خوبی است و هرگز ما توقع آثاریم از نویسنده هرقدر هم ماهر باشد در اولین اثری که در یك رشته جدید مینویسد موفق شود ما امیدواریم ایشان این رشته مهم را مغتنم خواهند کرد بادبیات ملی ما بدین وسیله خدمت بسیار مفید خواهند نمود مثل از اینکه راجع بحیوانات بنویسند نوشت طرف های منفی اخلاق بشر را توسط تمثیل بهتر و بی آزار تر میتوان در نظر خواننده مجسم نمود.

ونیز در حیوانات صفات بر جسته بسیار دیده شده است که می تواند در خواننده حس تحسین بلکه تقلید ایجاد بکند موجب تاثر شدید که در رشته آثار تراژیك جستجو میکنیم شود. باید اند نوشته های نگاهی مدتی ما را سرگرم بکند.

من یك داستان تراژیك تاثرآوری اگر انتشار بکرده باشم ازصادق هدایت در روزنامه بوسیه مردم خوانده بودم عنوان آن نسرا فراموش کرده ام ولی مضمون آن همیشه درنظرم هست و مرا سخت متاثر میکند.

این سر گذشت یك سك گم شده ایست.

مسافری از اتمبیل درروامین پیاده میشود سگی که همراه داشته از فرصت استفاده گرده پشت سك مسافره ای را گرفته پشت حصار باغات گم میشود.

صاحب آن هرچه صدا میکند از سك اثری نمی‌تواند پیدا بکند

اتمبیل راه می‌افتد پس از دور شدن آن سك میرسد خواب صاحب خود واه می افتد اتمبیل طوری دور شده وه که سك نتواند بگرد آن برسد ناچار برمیگردد.

پس ازاینکه یکی از دکان داران روامین درمقابل یك تیکه نان گردن بند اورا باز میکند بولگردی میافتد اهالیت باکمال مذلت وخواری از گرسنگی میمیرد کلاغ سیاه میرسد برای سیر کردن معده حریص خود چشمان میشی زیبای آنرا میکند.

این داستان بسیار تاثر آورو تراژیکی است که تا بحال راجع بحیوانات من در زبان فارسی خوانده ام

من نمیدانم نویسنده داستان نامبرده کاشتاکا که بقلم توانای چخوف نوشته شده دیده است یا نه. بهر حال این داستان را خوب توانسته است ازآب دربیاورد.

درداستان کاشتاکا وفاداری عجیب سك تصویر شده است که همین کاشتاکا پس از ماهها گم‌شدن در سیرك بسوی صاحب کوچولوی خودرا که بچه یکنفر پیه دوز بوده میشود تمام خوبی های صاحب جدید خودرا فراموش کرده و بالای سر تماشاچیان خودرا بآغوش او می رساند وبا وجود سختی ها و آزار ها واذیت های مذاقت فرسا که از این ارباب فقیر دیده بود خودرا باپیدا کردن او خوشرفت میداند.

البته سر گذشت سك گمشده وراه من در راه تمایل جنسی صفحه عشق باشد غلط است من نظم این راهی است کم و بیش هر کس ناچاراست در زندگی خود بپیماید ولی البته نویسنده بیرحمی و کم‌فرصتی و بیدادگری انسان هم که شه های گی زده است هردو اتفاق داستانهای عبرت آور و حزنی هستند که مان بخوف مخصوصا برای دانش آموزان جوان بسیار مفید می باشد.

اما داستان زشت و زیبا بعقیده من نمیشود یك تمثیل بتمام معنی دانست در اینجا هم بوی تراژدی شنیده میشود ولی شدت وصعوبت داستان سك ورامینی نیست.

من اول این داستان بسیار خوشم آمد تا آنجا که غوك از زندگی خود قیاس میکند وبه خودرا عاقلانه مذمت میشود و هوس و شوق خواندم ولی اطوار مادیه غوك بسیار غم‌انگیز بود. اگر چه در طبیعت حیوانات این استعدادها زیاد دیده میشود اصلا در تمثیل اینها خوب نیست باید نیروهای متعارفی پیدا کرد. غوك متوسط خوب بود غوك فیلسوف با پیدایش غوك مسافره کوچك شد: دوست باشد بعضی از جوانان نقلی سالف امروز بتظاهر پرداخت از دست معبوبه میخواست فرار بکند.

معلوم میشود آقای اعتداد زاده با وجود اینکه کلاغی هستند باخلاق غوك ها زیاد توجه نکرده‌اند.

غوك درست مانند سایر حیوانات است و در تمام حیوانات جنس نر است که نقش ممتازرا در جفت گیری بازی میکند طنازی در انتخاب جفت فقط وظیفه جنس ماده میباشد.

غوکها اتفاقا از آن حیوانات هستند که در فصل معین سال جفت گیری می‌کنند این جفت گیری مدت مدیدی طول میکشد و اغلب با مرگ غوك نر خاتمه پیدا میکند.

من معتقدم تمثیل نویس باید پیش از آغاز بنویسندگی کتاب‌های منشاء انواع و منشاء انسان داروین را حتما خوانده باشد مطالعه در طبیعت هم شرط اساسی تمثیل نویسی است بدون اینها موفقیت محال است

فرار کردن غوك از چنك غولم ماده داستان رامیشکند واز نظر خواننده دقیق می‌افتد.

من میفهمم آقای اعتداد زاده چرا خواسته است قهرمان داستان زشت و زیبا افیلسوف وبلند پرواز نشان بدهد دنباله دارد.

از ارانك

وزارت فرهنگ

چه کار می کند؟

بخاطر دارم که چند سال پیش عده ازمعاریف وطن فدارانترقی وتعالی مملکت بجامعه امروزه خدمات سرشاری را انجام داده‌اند ومدارس جدیدی وفق دل خواه افتتاح نمودند که وباوگان این کشور روز بروز به ترقی وتعالی پیشرفت نمایند وهمچنین تا اندازه‌ای به آمال وآرزوی خود نائل شدند ولی در اثر سهل انگاری اولیاء فرهنگ امروزه که عده ای از بی سوادان نا لایق را استخدام نموده اند تربیت اطفال ازهرجهت اخلاقا درسا وتفاوا رو بپستی رفته وکم کم رشد فرهنگ ودانش ازبیخ و بن کنده شده احتمال قوی دارد چنانچه باین روبه پیشرفت نماید مواجه با زمان بربریت شود.

اکنون دو سه ماه از سال تحصیلی می‌گذرد وتمام محصلین در اثر نرسیدن کتب فرهنگی ازمرکز بلا تکلیف مانده وصحنه مدارس را محل تفریحگاه خود قرار داده اند آیا وزارت فرهنگ می توانست کتب سال تحصیلی را در ایام تعطیل تابستان توجه کند چگونه تا این اندازه محصلین بدبخت نشوند آیا وظائف فرهنگ کشورما این است که برنامه غیر قابل اجرا را درتمت رسمی عمومی بگذارد وپایان سال را بشرح بیمالین طی کنند.

۱ - سه ماهه شهریور مهر آبان تشکیلات مدارس و انتخابات معلمین

۲ - دی ماهه آذر دی تعطیل غیر رسمی برای تماشای موزه

۳ - سه ماهه بهمن اسفند فروردین گردش محصلین بواسطه نداشتن کتب فرهنگی

۴ - در ماهه اردی بهشت خرداد امتحانات داخلی وپایانی مدارس

۵ سه ماهه تیر مرداد شهریور تعطیل رسمی تابستان

پس جای تعجب است که روزبروز مملکت بدین وسیله پیش رفت بنماید وحق چاپ کتب کلاسیك را وزارت فرهنگ محفوظ داشته که سایر کتابخانه ها ازچاپ کتب فرهنگی ممنوع باشد آیا اولیاء اطفال سایر متمولین وربك ردیف هستند که این مخارج زیاد را عهده دار باشند یا بایستی اولیای فرهنگ فکر اساسی در این موضوع نمایند که تمام وقت اطفال بیهوده تلف نشود اینك نظر وزارت فرهنگ رابان نکته متوجه ساخته که تاسال تحصیلی ۲۴ ارسیده کتب تدریس را تهیه نمایند که لدی الورود نوآموزان ودانش آموزان به صحنه مدرسه دردسترس آنان بگذارند که بیش از این اسباب معطلی در بین نباشد ضمنا یاد آور می گردد که‌ازاین مدت سه ماه تحصیلی کتب فرهنگی نرسیده وتمام محصلین بلا تکلیف مانده ومنتظر فکر اساسی وزارت فرهنگ می باشند

مخبر روز نامه آذربایجان م.م.آ.

جناب آقای مدیر کل
یك تابلو زنده ازفساد تشکیلات
اجتماعی واداری
۳ — ۱۰

کریم کشاورز

بیریا در کلوب حزب توده

عصر یکشنبه در کلوب توده خبر بود. عدهٔ مدعو بودند مارا هم طلبیده بودند رفتیم. برای تجلیل ورود بیریا مجلس بیریائی تشکیل شده بود. در آنشب توده سالون جدید کلوب را که گنجایش قریب هزار نفر را دارد افتتاح کرده.

سالون پر بود. عدهٔ زیادی هم در درگاه ها وبیرون ایستاده بودند جمعیت بیش از هزار نفر بود. شب نشینی آغاز شد. این شب نشینی که بافتخار شاعر توده آذربایجان بر گذار شد خود از آغاز تا انجام بمنظومهٔ ماند بود ان اغراق نیست. مناظره اینها، چیزهای بی اهمیت کوچك. هرچه افکار و تخیلات شاعر را تولید کند خود منظومهٔ بیست.

درختی در کنار کلبه‌ای قرار گرفته وبشکل مخصوصی قسمتی از آنرا در سایهٔ خود گرفته است. اگر قدری طبع شاعرانه داشته باشید — وقدری طبع شاعرانه را همه دارند — ضرورت ندارد بگفتن کلام مسجع و مقفی ممتاز باشید. همین کلبه و درخت در شما از یك منظومهٔ زیبا را خواهد کرد. انسان تنها با کلام نمیگویند هر کسی بنحوی شاعر است. همه کم و بیش جزو مردم هنری هستند باری شب نشینی بر بیك سرفصلدار از آنکه در آن شعر زیاد خوانده شد فرحدا ۲ درمن از یك منظومهٔ شعر می کرد. کار گران آذربایجانی از این که الفاظ محبوب خویش را ضمن سه تن فلاطون واشعار شعرای فارسی زبان میشنیدند دیوانه وار دست میزدند و هورا می کشیدند.

فارسی زبانان از شنوای لغات مبارزه بار اجتماع و تفاهم در اشعار و نطق‌های ترکی محظوظ میشدند. هاله شادی ایشان سالون را میلرزاند حقیقت بهر زبانی گفته شود حقیقت است واثر خود را میبخشد. بیریا را نمی شناختم. آشنا شدم دادند. گفتند از آنکه زلف بلند شاعر اله دارد. مافهمیدیم. اگر من جای بیریا بودم زلفم را مثل همه مردم اصلاح میکردم.

بیریا مانند خلق — خلقی که از آن برخاسته است در اخلاق و اصالت ساده و بی تکلف است. چرا بایدا این علامت ظاهری شاعران قدیم را بخود ببندد.

بیریا را مردم آذربایجان وتودهٔ ایران برای اشعار پر حرارت — برای فعالیت اجتماعی و سیاسیش دوست داشته و میدارند. بدون زلف بلند هم دوستش خواهند داشت لازم نیست زحمت بردن بار زلف دراز را بکشد، عیب فضولی هستم که در زندگی شخصی اشخاص مداخله میکنم، ولی... زندگی شخصی بیریا و امثال او بکسی بجامعه تعلق دارد. در این شب نشینی سه کس جالب توجه من بودند: بیریا که وروودش بطهران باعث این تجمع گشته بود. شاعر خردسالی که با اشعار قرص و با حرارت و علی الخصوص سخنان فی البداهه اش در آخر مجلس شور و شعلی درهمه تولید کرد و بعد هم شاعر لی جوان ما قهرمان. بیریا در پایان جشن پشت کرسی خطابه رفت. یك تیپ کاملا آذربایجانی است هر یك از شهرستان های ایران تیپ مخصوصی دارد گیلانیان را همه جا از شکل سر و بزرگی بینی شان میتوان شناخت. آذربایجانی‌ها را هم‌درازی سر معرفی میکنند. این اختلاف نتیجه طرز بستن سر در اوان نخست کودکی است. سخنان ساده بیریا که امان بامر آزادی خلق زحمت کش از آن تراوش می کرد اشعار پر از احساساتش هرآن بوسیله کف زدنهای پر شور وهورا های مستمعین قطع می شد. طوران با خیابانهای زیبا و مهارات سترگش بی ریا را شیفته نکرد متاثرکرد. بیریا مصیبت هائی را که مردم ایران و همشهری‌های زحمت‌کش آذربایجانی او کشیده اند تاجمنی غارت گر ومخالفی بتواند این عمارات را برای خود تهیه کند از ماوراء این قصور مشاهده کرد. متاثر شد. میوه این تاثر منظومه ایست بنام «تهران مرتجع» امیدواریم یکی از شعرای توده این منظومه را بنظم فارسی ترجمه کرده ودر دسترس فارسی زبانان نیز بگذارد. دو وصف بیریا شعر های زیادی سروده‌شده بود. ناطقین بسیاری سخن گفتند.

ازهمه جالب‌تر یکی از اعضای سازمان جوانان توده بود این کودك که کمال بیکنفر هنوز سیزده سال داشته باشد و تصدیق ابتدائی واگرفته باشد. قصیده شیوائی در تبریك ورود بیریا ساخته بودو خواند واز طرف سازمان جوانان تحسین گفت.

افکار بلند آزادی‌خواهانه دوانین قصیده گنجانده شده بود. در آخر جلسه یکی از حضار که گویا بار اول در جشن توده حاضر شده بود بوسیله خاتم قلم خرد اویسی، بکودك تقدیم کرد کودك نامبرده‌ضمن تشکر گفت: رفقا بیائید مانند شاعران قدیم برای صله وخلعت شعر بگوئیم و قلم خودرا در خدمت خلق و آزادی بگذاریم.

حضار بشنیدن این سخنان از جا بر خاستند ومدتی برای شاعر خردسال کف می زده وهلهله می کردند.

بین این احساسات پرشور چندین بار ضمن استماع منظومه قهرمان که تحت عنوان خطاب بطبقه حاکمه بود ابراز شد. قهرمان را من پیش از این نمی شناختم. آشنائی باصاحب این قریحه سرشار نیز دراین مجلس برای من یك کشف مطبوع و پرمالی بود... آقای علی امیر خیزی یکی ازمنظومه های بیریا را بنظم روان فارسی ترجمه کرده وخواندند. این تنها ترجمه فارسی اشعار بیریا بود که در جشن خوانده شد. باید از آقای امیرخیزی سپاس گذار باشیم

... برای حسن ختام جشن ما را بکافه رستوران کلوب توده دعوت کردند آن جا آشنائی نزدیك تر و بیریا تری با بیریا بعمل آمده برخلاف آنچه بعضی ها می گویند ومنتقدند از جشن پریشب چنین بر می آمد که حزب توده ایران بیش از آنچه ضروری است شاعر و نویسنده دارد و کمتر از آنچه لازم است پرتقال فروش در آن یافت می شود خوب است برای اصلاح این نسبت لا اقل عده دیر تقالفروش را زیاد کنند

چاپخانه داد
شماره تلفن ۶۲۵۸

انتای امیر به جنب فرهنگ

www.iran-archive.com

جواب انجمن دانشوران ایران

پاسخ پرسش شماره ۲۳۳

در روزنامه وزین ملی آذر در صفحه دوم شماره ۲۳۳ مورخه ۱۷ دیماه سئوالی بامضاء فاضل محترم آقای محمد علی افراشته از هیئت مدیره انجمن دانش وران ایران شده بود مبنی بر اینکه (چند جلسه است آقای خالصیزاده و انجمن دانشوران ایران راه یافته و اصرار دارند که برای شعراء و نویسندگان برنامه تهیه کنند) اینک برای استحضار ایشان و دیگر علاقمندان توضیحات زیرین داده میشود :

اولا — طبق اساسنامه و آئین نامه انجمن که مکرر در جراید کشور و جداگانه نیز چاپ و منتشر گردیده است عضویت و روشنفکرانی و دانشوران که در انجمن حضور می یابند بدین است که مذاکرات سیاسی و مذهبی و ورود در شخصیات و خصوصیات یا مدح و ذم افراد بکلی ممنوع میباشد .

ثانیا — انجمن دانشوران دارای سه گونه حضور میباشد اول — کارمندان اصلی که هیئت موسسه هستند . دوم — کارمندان رسمی که طبق اساسنامه عضویت یافته اند — سوم مستمعین آزاد که بدون رسمیت طبق مقررات انجمن حضور می یابند بدیهی است که ورود فضلا و دانش مندان و اهل ذوق بانجمن دانش وران ممنوع نبوده و بطور کلی ورود بانجمن معهود نیست و کسانیکه فریحه ادبی داشته و یا یکی از صنایع مستظرفه را دارا می باشند میتوانند در جلسات انجمن حضور یافته و با کسب اجازه و ارائه موضوع مطالبی را که منزه از اغراض شخصی بوده و عاری از هر گونه تعرض به ادبان و نقاد باشد و هیچگونه جنبه سیاسی و حزبی نداشته و بطور کلی طبق اساسنامه انجمن بوده باشد ایراد نمایند .

ثالثا — آقای خالصی زاده اساسا عضویت در انجمن دانشوران نداشته ولی بنا بحقیقت باهل دانش و ادب و ذوق برای ورود در انجمن در مرامنامه داده شده ایشان نیز در پایان دو سه جلسه اخیر حضور یافته اند ولی در برنامه رسمی انجمن هیچگونه بیان و پیشنهادی ننموده و فقط یکشب هم بعد از پایان یکی از جلسات راجع بادب مذاکراتی نموده و یکشب هم بعد از جلسه رسمی سئوالی از دانش وران نموده که چه عملی وجه صدقی بحال جامعه مضر تراست از طرف یکی از دانشوران پاسخ داده شد که موجب اختلاف شدن و جدائی انداختن بین دولت و ملت و بطور کلی شکستن وحدت ملی مضر ترین عملی است که ملت را بسوی نیستی سوق میدهد .

این ورود آقای خالصی زاده با بحوث ادبی و در صورتی که مایل ایشان و دیگران اختلافی موجود باشد بهیچوجه مربوط بانجمن دانشوران نیست

از طرف هیئت مدیره انجمن دانشوران ایران — عباس فرات

• •

بعض مراعات نزاکت ادبی و اخلاقی جواب انجمن دانشوران ایران را چاپ کردیم نظر خوبمان را راجع به شخصیت خالصی زاده و کارهای او در شماره آینده بتفصیل خواهیم نوشت امیدواریم جمعیت ادبی دانشوران سعی خواهد کرد که آلت مقاصد شوم تب خالصی زاده و امثال ایشان واقع نشده و بخدمات ادبی و فرهنگی بیغرضانه ادامه بدهد .

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۳/۹/۲۳ — آقای شیخ ابراهیم حاج الحرمین وکالت از طرف آقای روح الله هوشمند باستناد یکبرگ گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۴۱۳/۱/۲۳ داده باین که سلیمان هوشمند دارنده شناسنامه شماره ۲۷۵۴۷ که چاپگاه همیشگی او در تهران بوده در تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۲۶ در فرمدان وفات یافته و متقاضی و آقایان شکرالله و نورالعین و جیوه الاسرار او بانوان احسانیه و قمر دختران و بانوان شیرین هوشمند و نه نه خانم هوشمند زوجه وارثی متوفی و ورثات منحصر میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب صحت و نوبت متوالی ماهی یکبار در مجله رسمی وزارت دادگستری و روزنامه — آگهی می شود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و بر اساس گواهی گواهان مراتب صحت و نوبت متوالی ماهی یکبار در مجله رسمی وزارت دادگستری و روزنامه آگهی میش

آزبر

انجمنهای ایالتی و ولایتی

بقیه ازصفحه اول

و رژیم دموکراسی است . تا این نقص و عیب وعلت اساسی مرتفع نشده است هیچ دولت و هیچ مجلسی قادر نخواهد بود ارادهٔ مردم را در کارها و دولت دخالت بدهد . رژیم مشروطه و دموکراسی را عملی بکند چاو بیدادگری‌ها و دزدی‌ها وخیانت‌ها وجنایات گوناگونی را که روز بروز در توسعه و ترقی است بگیرد .

ما یك چیز نوظهور و من در آورده نمیخواهیم اما رکای تازه هم کشف نکرده ایم . قضایا که و رهبکه در پیش پای ما است همان تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی است .

این را ما دم دهانها انداخته ایم از تلگرافات بدهد شماریکه از ولایات میرسد فهمیده میشود که خود مردم بهاهمیت این موضوع پی برده برای عملی کردن آن قیام کرده اند .

اگر حقیقتا خواهیم ملت بدولت نزدیك بشود باید انجمنها را هر چه زودتر تشکیل داده و مردم را اجازه بدهیم احتیاجات محلی خودرا در محل مستقیما بر طرف بکنند محتاج دستور ماموریت خودرو و بروکراتهای خشك و مهمل بی ربط مرکز نباشند .

باید کاری کرد که دولت نفوذ و اعتبار پیدا بکند نفوذ و اعتبار دولت فقط بواسطه دخالت ملت امکان پذیر نیست .

بواسطه انجمن‌های ایالتی وولایتی است که صدها هزار مردم شهرستانها بکار کشیده شده با دخالت دولت نیرو و توانائی میگیرد .

بالاخره بواسطه انجمنها است که مردم شهرستانها احساس خواهند کرد که در مملکت دادوسی هست و آن دادوس از دست رس آنها پی بکنار نیست میتوانند هر وقت که الزام شد برای آبادی شهرستان برای توسعه فرهنگ شهرستان برای پاس امنیت شهرستان بدون اینکه منتظر اقدامات مرکز باشند تصمیم بگیرند و آنرا با کمك مردم شهرستان بموقع اجرا بگذارند .

واقعا خنده آور است در مملکت مشروطه یك نفر یا معلوم نیست روی چه صلاحیتی انتخاب کرده از تهران بولایات میفرستند مرتب میشود هر زمان نفررا باختیاراو میگذارند که هرچه دلش بخواهد بکند هریلاکی که مدت شخصی خودش ایجاب بکند بسر مردم در بیاورد

در آخر کار هم وقتی که باستخوان رسید یا با عوض شدن وزیر و رئیس دولت مقتضی شد کسی دیگر جای اورا بگیرد آقا با بچه‌های بی بر میگردد وسیله اشغال همان مقام را در شهرستان دیگر فراهم می‌آورد .

اگر انجمن شهرستان ها تشکیل بشود اختیارات آن گروه غارتگر بالاخره محدود خواهد شد .

هر دزدهر حقه باز هرشیاد بدون داشتن صلاحیت به هر چیزی و بند و بست قادر نخواهد شد پدر مردم را در بیاورد تازه کار متدان ها لبریته دولت بالای سر خود توده و نیروئی احساس خواهند کرد که پیوسته ناظر اعمال آنها است آن وقت حتی افراد ساده مملکت نیز میتوانند بوسیله انجمن‌ها مشاهدات خود را بگیرند اگر کار جای خلاف عمال دولت جلو گیری بکنند .

بیان حقایق راجع بمصاحبه آقای کافتارادزه

بقیه ازصفحه اول

اینها حقایق غیر قابل انکاراست . ما بخواهیم خودمانرا بکنیم یا اصلا کوچکترین حرف هم نزبان بیاوریم این حقیقت تغییر نخواهد کرد .

ایران همسایه اتحاد جماهیر شوروی است این را آقای سید ضیاء الدین بباد فنا میدهد باشد اینبتوا دانکار کند او بسنده مقاله حریم قرار ایران حرف دیگر نزده است .

اما از حرف‌های دولت اتحاد جماهیر و از نوشته های مجله جنك و طبقه کارگر چه فهمیده میشود ؟

ما در هیچیك از مدارکی که در موضوع نفت و در مسائل دیگر از مقامات شوروی در دست داریم بعبارت حریم امنیت یا «اسباس ویتال» تصادف نکرده ایم .

روسها اصلا در تقاضای امتیاز به مطالب دیگر نپرداخته اند حقیقتا وقتا دولت ساعد برای آقای کافتارادزه نا گهانی بوده تبلیغات مخالفت آمیز رعد امروز و سایر روز نامه هائیکه با پول های غارت شده منتشر میشوند و همه از گیرند ما فوق تصورهم بوده است .

از نوشته های مجله جنك و طبقه کارگر بر می آید که شوروی‌ها نسبت بحسن نیت مردم ایران هیچگونه تردیدی ندارند مخالفت شدیدی که برعلیه آنها مشاهده شده است همه را از دست مرموز و معین آقای نخست وزیر اسیب می دانند .

شوروی‌ها هرگز فکر نکرده اند چون ایالات شمالی ایران حریم شوروی است باید نفت را بما بدهید . آنهاب وبند ما همسایه شما هستیم ، آزادی واستقلال ایران همیشه علاقمند بوده ایم برای تامین آزادی ایران از تمام ادعا های دولت تزاری چشم پوشیده روی شرایط عادلانه ومتقابله باشما پیمان دوستی بسته ایم و خودتان هم انکار نخواهید کرد

که دولت اتحاد جماهیر شوروی بود با ملت ایران مثل یك ملت متمدن بافرهنك وتمدن کرده از کاپیتولاسیون صرفنظر نمود دولت‌های دیگر هم مجبور شدند از آن پیروی بکنند .

بالاخره دولت شوروی می گوید ما در ایران هیچگونه نظر ارضی نداریم و می خواهیم بادولت مستقل ایران به طور مستقیم روی شرایط معمول عالم معامله بکنیم .

بالاخره هنگامیکه قانون اساسی را مینوشتند تمام این جریانات رادر نظر گرفته اند چور دیگرهم نبشده مربوطه و دموکراسی بدون انجمن شهرستان ها معنی ندارد .

ما دو باره در این موضوع بحث خواهیم کرد مخصوصا بعضی از آزادی خواهان را می‌شناسیم که در این مسئله بدصوص نظریه غلط وسایلیکه می‌دارند بعضی ها هم از نفوذ در تعیین محلی می ترسند .

حتی اشخاصی را سراغ داریم که میگویند ممکن است انجمن ها آلت دست عناصر ملوك الطوایفی واقع بشود ماهمه اینها را پیش بینی کرده ایم و حقرایم ثابت بکنیم که تمام این نگرانی ها اگر اساسی داشته باشد تازه درمقابل فایده ایکه از انجمنها انتظار میرود بسیار ناچیز و نامحسوس خواهد بود

درباره قیمت برنج گیلان

بقیه ازصفحه اول

و مازندران برای فروش این مازادچه فکری کرده‌اند . کدام قدم را برداشته اند . تنها خریدار مازاد برنج بازار شوروی است .

این دیگر جزو اسرار نهان نیست از قدیم چنین بوده و اکنون نیز هست تشبثاتی که از طرف شاه سابق برای ندیده انگاشتن حقایق جغرافیائی عمل آمد بجائی نرسید و نمیتوانست برسد و فقط چنانکه در بالا گفتیم باین نتیجه پست و وخیم آور منجر گشت که برنج های خودش را گران‌تر فروخت .

دولت چرا برای رفع اشکالات فروش گیلان و مازندران اقدام نمیکند چه مانعی در پیش دارد ؟ آیا مازادات این محصول را هم مثل فرآورده‌های کار-خانجات بلا استفاده گذاشته ودر انبار بپوسانند ؟ چرا این دست جنایتکاری را که با تیشه غرض و با نادانی و ناشی گری ریشهٔ حیات اقتصادی ما را در حال قطع کردن است زود بر قطع می-کنند ؟ چرا سیاست احمقانه و مغرضانه پهلوی نسبت به نواحی شمال ایران (گیلان و آذربایجان و مازندران و تا اندازهٔ خراسان) کماکان باید تعقیب شود ؟ چرا روش ایذاء و بدبخت کردن مردم این نقاط رادارات و مجلس منحوس چهاردهم ادامه میدهد ؟ آیا این سیاست بنفع ایران است ؟ آیا این روش بنفع «وحدت ملی» که بوقلمون صفتان مزاو رو اینهمه در گرد آن همهمه میکنند میباشد ؟ گمان نمیکنم . ولی حقیقت را باید گفت . هر قدر هم تلخ باشد باید گفت تاعلاجی اندیشیده شود — گویا دولت و مجلس شمال ایران را جزو ایران نمیدانند .

اگر ما پیش قدم شده پیش‌تر از همه این تقاضارا کرده بودیم و شما با جوابرد داده بودید شاید حرف نمیزدیم و شما را نسبت بخود بدبین نمی‌شمردیم ولی وقتی ما بشما مراجعه کردیم که شما وارد عمل شده بودید .

با کمپانیهای دول دیگر داشته مساعده یا عملی می گردید در صورتیکه خود-تان میدانستید دولت اتحاد جماهیر شوروی طبق پیمان دوستی شرط کرده بود مسلمان نفت شمال بدول دیگر واگذار نشود شما عوض اینکه ما را در معامله دخالت بدهید یکمرتبه بطور ناگهانی تغییر لحن داده گفتید اصلا ماحاضر نیستیم باشما در این موضوع داخل مذاکره بشویم .

دولت شوروی این حرکت ناروا و نافایست را که از دولت ساعد مشاهده کرد چه میتوانست بکند بطوریکه می‌توانست نقشه شومی که آقای سید ضیاء الدین برای تاسیس مقاصد دادن نفت به کمپانی های خر پول کشیده بودند بگیرد

ازاین جهت است که ما میگوئیم ساعد و سید ضیاءالدین خائن مملکت هستند برای دلالی برای فروختن سادن نفت شمال بدامن ملت ایران وملل اتحاد جماهیر شوروی و رنجش وخصومت تولید نموده‌اند .

از نوشته‌و گفته‌های منابع شوروی هم غیر از این چیز دیگر فهمیده نمی شود .

که دولت اتحاد جماهیر شوروی می گوید شما از آنجا میدانستید پیشنهادها برخلاف منافع کشور شما استوار آنجا معلوم بود که ما برای دوا خذامتیاز نفت میخواستیم با شما غیر عادلانه رفتار بکنیم ؟ کی بشما گفتیم بدون مطالعه معادن نفت ایران با اختیار ما میگذارید .

اگر میان ملت ایران دستهای خائن و مافدان برای فروش این مازادچه فکری کرده‌اند . کدام قدم را برداشته اند . تنها خریدار مازاد برنج بازار شوروی است .

این دیگر جزو اسرار نهان نیست از قدیم چنین بوده و اکنون نیز هست تشبثاتی که از طرف شاه سابق برای ندیده انگاشتن حقایق جغرافیائی عمل آمد بجائی نرسید و نمیتوانست برسد و فقط چنانکه در بالا گفتیم باین نتیجه پست و وخیم آور منجر گشت که برنج های خودش را گران‌تر فروخت .

دولت چرا برای رفع اشکالات فروش گیلان و مازندران اقدام نمیکند چه مانعی در پیش دارد ؟ آیا مازادات این محصول را هم مثل فرآورده‌های کار-خانجات بلا استفاده گذاشته ودر انبار بپوسانند ؟ چرا این دست جنایتکاری را که با تیشه غرض و با نادانی و ناشی گری ریشهٔ حیات اقتصادی ما را در حال قطع کردن است زود بر قطع می-کنند ؟ چرا سیاست احمقانه و مغرضانه پهلوی نسبت به نواحی شمال ایران (گیلان و آذربایجان و مازندران و تا اندازهٔ خراسان) کماکان باید تعقیب شود ؟ چرا روش ایذاء و بدبخت کردن مردم این نقاط رادارات و مجلس منحوس چهاردهم ادامه میدهد ؟ آیا این سیاست بنفع ایران است ؟ آیا این روش بنفع «وحدت ملی» که بوقلمون صفتان مزاو رو اینهمه در گرد آن همهمه میکنند میباشد ؟ گمان نمیکنم . ولی حقیقت را باید گفت . هر قدر هم تلخ باشد باید گفت تاعلاجی اندیشیده شود — گویا دولت و مجلس شمال ایران را جزو ایران نمیدانند .

در اطراف الاغیه نخست وزیر

بقیه ازصفحه اول

مارا رد بکنند اگر حرفهای ما صحیح است باید اقلا ممنون باشند که نمیگذاریم ایشان اشتباهات خودرا عملی بکنند

آقای اول از ماده اول شروع می کنیم آقای نخست وزیر می‌توبسنده دولت در اجرای برنامه خود بیشتر متوجه امور دولتی می باشند؟

« تهیه نقشه هاو طرحهائی برای بهبودی وضع حال دهقانان وکارگران . منظوراساسی این نقشه ها که بصورت لوایحی چند تقدیم مجلس شورای ملی خواهد گردید برای این است که هر کس کار میکند در آمد متناسب با زحمت و کار خود بدست آورده معاش خویشتن را بخوبی تامین بکند واز بیم بیکاری و تنگدستی واجحاف و تعدی مصون باشد وباخاطری آسوده به پیشرفت هنر وصنعت خود همت بگمارد »

ما از آخر شروع می کنیم مدتی است کارگران کارخانه برق تهران برای درآمد متناسب با زحمت کار خودو بدست آوردن معاش خویشتن اعتصاب کرده‌اند آقای نخست وزیر از این موضوع قطعا مطلع می‌باشند پس چرا بیاد این بی چارگان نمیرسند وبرای چه برای پایمال کردن حقوق آنها دستور می‌دهند برخلاف شئونات ارتش از گردان مخابرات استفاده بکنند ؟

بلکه خیال می کنند پیش از تهیه طرح ونقشه‌ها و تصویب رساندن آنها میتوانند این کار را مستقیما خودشان اصلاح بکنند .

این جا است که آقای نخست وزیر باید مسارا معذور بدارند ومسا ناچاریم بگوئیم که قول با فعل جور نمی آید و

تابدانکه ضد درستی ایران شوروی وجود ندارد پس آن فتنه ها از کجابرخاست و چطور شد ساعد شیر شده این اطور را توانست در بیاورد؟ ساعد که حاضر شده بود باامریکائیها هرچه زودتر عمل را ختم بکند ؟

اینجا است که دم خروس ظاهر میشود وپیچ آقای سید ضیاءالدین و سایر عناصر فاسد گیر میافتد .

علاوه براین دولت شوروی بواسطه مجله جنك و طبقه کارگر، چنین در در مصاحبه مطبوعاتی آقای کافتارادزه اظهار کرده است که دولت سابق نفت را را بر خلاف پیمان اتحاد جماهیر شوروی بیگانهای سکار باستانداردویل واگذار کرده بود:

دولت حاضر هم همان سیاست را تعقیب میکند اگر واقعا میخواستند خود ملت ایران آنرا استخراج بکند برای چه این همه مجله بخرج میدادند که با آمریکا کنار بیایند؟

ما وکیل دولت شوروی نیستیم مقصود سیاست احمقانه دولت ساعد است منظور فاش کردن خیانت سید ضیاءالدین است مقصود این است که بمردم ایران بفهمانیم که سید ضیاء الدین دروغ می گوید در دلش بحال ایران نسوخته است او بیهمین وملت علاقه ندارد .

حتی شنیده‌ایم بکسی گفته است شوروی ها کمك بکنند من نخست وزیر بشوم فورا نفت را بآنها میدهم چنین شخصی بواسطه اعلامیه قاچاقی خود شوروی‌ها وادشمن ایران معرفی کرده‌میخواهد آنهارا باتغییر بایتخت تهدید بکند و تقاضای امتیاز نفت رابدهند گمری و مظلوم کشی میتماشد احمق تصور میکند تغییر پایتخت ایران برای روسیه شوروی خطر بزرگی است؟

ایتقدر احمق و نادان است که نمی داند این حرف مسخره آمیز است امروز چهار نفر پیدا میشود زوری ایمان طرفدار آن باشد .

تغییر پایتخت — خیال میکند شوخی است تصور میکند حقیقتا نخست وزیر است درصورتیکه نخست وزیر هم چنین کار را نمیتواند بکند .

ما دوباره دراطراف پایتخت خواهیم نوشت ولی اینکه باید با همین اعلامیه خبث باطنی آن نامرد را آشکار کرده بمردم فهماند که باچه تیپ مردی از خودراضی احمق وبا پست عالی سر کاریه کرده‌اند .

دنباله دارد

بیان حقایق راجع بمصاحبه آقای کافتارادزه

اینها حقایق غیر قابل انکاراست . ما بخواهیم خودمانرا بکنیم یا اصلا کوچکترین حرف هم نزبان بیاوریم این حقیقت تغییر نخواهد کرد .

ایران همسایه اتحاد جماهیر شوروی است این را آقای سید ضیاء الدین بباد فنا میدهد باشد اینبتوا دانکار کند او بسنده مقاله حریم قرار ایران حرف دیگر نزده است .

اما از حرف‌های دولت اتحاد جماهیر و از نوشته های مجله جنك و طبقه کارگر چه فهمیده میشود ؟

ما در هیچیك از مدارکی که در موضوع نفت و در مسائل دیگر از مقامات شوروی در دست داریم بعبارت حریم امنیت یا «اسباس ویتال» تصادف نکرده ایم .

روسها اصلا در تقاضای امتیاز به مطالب دیگر نپرداخته اند حقیقتا وقتا دولت ساعد برای آقای کافتارادزه نا گهانی بوده تبلیغات مخالفت آمیز رعد امروز و سایر روز نامه هائیکه با پول های غارت شده منتشر میشوند و همه از گیرند ما فوق تصورهم بوده است .

از نوشته های مجله جنك و طبقه کارگر بر می آید که شوروی‌ها نسبت بحسن نیت مردم ایران هیچگونه تردیدی ندارند مخالفت شدیدی که برعلیه آنها مشاهده شده است همه را از دست مرموز و معین آقای نخست وزیر اسیب می دانند .

شوروی‌ها هرگز فکر نکرده اند چون ایالات شمالی ایران حریم شوروی است باید نفت را بما بدهید . آنهاب وبند ما همسایه شما هستیم ، آزادی واستقلال ایران همیشه علاقمند بوده ایم برای تامین آزادی ایران از تمام ادعا های دولت تزاری چشم پوشیده روی شرایط عادلانه ومتقابله باشما پیمان دوستی بسته ایم و خودتان هم انکار نخواهید کرد

که دولت اتحاد جماهیر شوروی بود با ملت ایران مثل یك ملت متمدن بافرهنك وتمدن کرده از کاپیتولاسیون صرفنظر نمود دولت‌های دیگر هم مجبور شدند از آن پیروی بکنند .

بالاخره دولت شوروی می گوید ما در ایران هیچگونه نظر ارضی نداریم و می خواهیم بادولت مستقل ایران به طور مستقیم روی شرایط معمول عالم معامله بکنیم .

بالاخره هنگامیکه قانون اساسی را مینوشتند تمام این جریانات رادر نظر گرفته اند چور دیگرهم نبشده مربوطه و دموکراسی بدون انجمن شهرستان ها معنی ندارد .

ما دو باره در این موضوع بحث خواهیم کرد مخصوصا بعضی از آزادی خواهان را می‌شناسیم که در این مسئله بدصوص نظریه غلط وسایلیکه می‌دارند بعضی ها هم از نفوذ در تعیین محلی می ترسند .

حتی اشخاصی را سراغ داریم که میگویند ممکن است انجمن ها آلت دست عناصر ملوك الطوایفی واقع بشود ماهمه اینها را پیش بینی کرده ایم و حقرایم ثابت بکنیم که تمام این نگرانی ها اگر اساسی داشته باشد تازه درمقابل فایده ایکه از انجمنها انتظار میرود بسیار ناچیز و نامحسوس خواهد بود

www.iran-archive.com